

امروز یا مولانا

ای دوست قبول کن جهانم بستان
با هر چه دلم قرار گیرد تو بی
مستم کن و زوهر دو جهانم بستان
آتش بی من اندر زن و آسم بستان

یک خبر یک نگاه

امیدواریم تاکسی ها نخلف نکنند!

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، سیدجعفر تشکری هاشمی، معاون شهردار تهران گفت: «فاز پنجم ۲۰ تا ۲۵ درصد نرخ کرایه تاکسی های برای سال ۹۴ در شورای اسلامی شهر به تصویب رسیده است و این افزایش نرخ پس از تأیید فرمقداری و از ابتدای سال ۹۴ محقق خواهد شد. بنابراین، با توجه به این امر، تمامی رانندگان کرایه ها به ۸ هزار تاکسی شهرومزم و رعایت قانون بوده و حق ندارند در اسفند ماه نسبت به افزایش کرایه ها اقدام کنند به همین منظور، ۱۰۰ گشت تاکسیرانی با استقرار در پایانه های تاکسیرانی بر عملکرد تاکسیرانان و رعایت تعرفه نرخ کرایه در سال ۹۳ نظارت خواهند کرد.

همچنین سیدجعفر تشکری هاشمی شماره سامانه ای را نیز اعلام کرده که اگر شهروندان گونه نخلفی از سوی تاکسیرانان در افزایش کرایه ها مشاهده کردند می توانند مراتب را از طریق سامانه ۱۸۸۸ به معاونت حمل و نقل و سازمان تاکسیرانی اطلاع دهند به این ترتیب، در چسب های نرخ کرایه ها بر روی شیشه تاکسی نصب شود تا مسافران بداندند مجاز به پرداخت چه میزان کرایه هستند» امیدواریم که برخی از رانندگان تاکسی ها برای دریافت کرایه بهانه گیری نکنند. در چسب های شیشه تاکسی ها نصب کنند تا اظهار کنند که به حسب قیمت روی شیشه، قدیمی و مربوط به سال گذشته است.

برش

دالان های تاریک تودرتو

ماتی صحراگرد - ایران مسگری |

دالان های تاریک و تودرتو، سرما نفوذ می کرد تا مغز می بودم، استخوان ها می بودم اما تک تک قطعه های اطرافم در سکوتی خود خوانده از جنس رحمت استانه بودند. دیوار هردو مات نگام می کردند، نوری نبود، روزی نبود شب بود همه جا سبز تیر می کشید و رد از غوغای درد دور تادور پشیمان حلقه می زد، باد می آمد. پیرمرد روبه رویم ایستاده بود. حرف می زد، در گوش هایم اما فقط صدای باد می آمد، صدای

تاریک و تودرتو، سرما نفوذ می کرد تا مغز می بودم، استخوان ها می بودم اما تک تک قطعه های اطرافم در سکوتی خود خوانده از جنس رحمت استانه بودند. دیوار هردو مات نگام می کردند، نوری نبود، روزی نبود شب بود همه جا سبز تیر می کشید و رد از غوغای درد دور تادور پشیمان حلقه می زد، باد می آمد. پیرمرد روبه رویم ایستاده بود. حرف می زد، در گوش هایم اما فقط صدای باد می آمد، صدای



شارت

دومین پیروزی بزرگ کردها بر داعشی در منطقه تل حمیس

بعد از پیروزی در کویانی، آزادسازی تل حمیس دومین موفقیت بزرگ نیروهای نظامی کرد در جنگ با داعش به حساب می آید.



سرطان رنج مان داد اما...

چندید با خبرهای خوش همه مارا شاد کند، آرزوی دیگرم در سه راه وضع معیشتی مردم هستنای و برنامیزی های دولت پیمانان شود و قضا برای کاهش میزان بیکاری فراهم آید. آرزوی منم تغییرات خوبی در راه باشنند، زیرا می تشنیم، متوجه می شوم خاطرشان از بابت سلامتی راحت است بنابراین خیال های خامی در سر می پروراند. آنها یادشان رفته مهم ترین دارایی همه ما همان چیزی است که تا پیش از آنکه از دستش دهیم، حواسمان به آن نیست سلامتی، زیبایی است. بگذارید یکی دیگر از آرزوهایم که با مفهوم امید گره خورده باشد مطرح کنم. من مثل همه مردم سرزمینم به سیاست خارجی و مذاکرات بین ایران و کشورهای ۵+۱ امیدوارم. آرزوی منم سال

در دناکی چون سرطان بیان کردام، نگام به پیش روست. نگام به سالی است که قرار است خالی از درد باشنند خالی از رنج و مرگ و از دست دادن عزیزان، می خواهم برای همه مردم سرزمینم آرزوی سلامتی داشته باشم. این روزها وقتی پای صحبت برخی افراد می نشنیم، متوجه می شوم خاطرشان از بابت سلامتی راحت است بنابراین خیال های خامی در سر می پروراند. آنها یادشان رفته مهم ترین دارایی همه ما همان چیزی است که تا پیش از آنکه از دستش دهیم، حواسمان به آن نیست سلامتی، زیبایی است. بگذارید یکی دیگر از آرزوهایم که با مفهوم امید گره خورده باشد مطرح کنم. من مثل همه مردم سرزمینم به سیاست خارجی و مذاکرات بین ایران و کشورهای ۵+۱ امیدوارم. آرزوی منم سال

لاله اسکندری بازرگ

تفسیر مثنوی (بخش سوم)

نظام سلوک نامه ای مثنوی

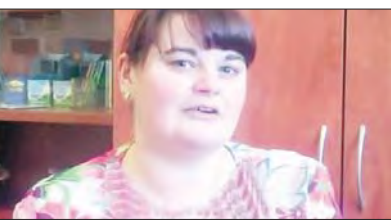
عشق را یکی پس از دیگری، دقیقاً توضیح می دهد. کلاماً منظم است، ابتدای وادی طلب را بیان می کند بعد از آن، وادی عشق است وادی سوم معرفت است وادی چهارم، استقامت، پنجم، خودپند ششم حیرت و در نهایت، وادی هفتم، وادی فقر و فاقست. عطار چهارم و موسی بیخ می کند مثنوی مثل کتاب های خواجه عبدالله نصاری با اونیورس سرچ طوسی نیست که ساخت را یکی پس از دیگری به ترتیب بیان کند. مثنوی مولانا، مانند یک بناغ بی نظم است، با حداقل نظم آشکاری ندارد. در زبان عربی به چنن بناغ هلی، «حدیقه» می گویند. به این معنا، مثنوی یک حدیقه است، نه «شوان» رضوان بناغ هلی می گویند که نظمو ترتیب خاصی میان درختان وجود دارد. بنابراین سلوک نامه حضرت مولانا، سلوک نامه منظمی نیست داستان های که در مثنوی ذکر شده نیز پس و پیش هستند و نظمی بر آنها حاکم نیست گاهی هنوز یک داستان تمام نشده، دوسه داستان دیگر شروع شده است و اگر «حسام الدین» به جلال الدین محمدان داستان های نیمه تمام را با آوری کند، ممکن است مولانا به آن داستان ها بازگردد در غیر این صورت، داستان ها به همان صورت رها می شوند. به همین دلیل است که گاهی می بینید مولانا در پایان یک شعر، می گوید «رویم به سراغ فلان داستان و ببینیم که به کجا رسید» در عین حال اگر کسی نخواهد مثنوی را براساس یک مدل سلوک نامه ای، منظم کند، این کار می تواند با دقت و بی غرضی صورت پذیرد بنده بعد از آن که سال ها مثنوی را با صورت کامل خواندم، این کتاب را از اسرار هفت موضوع، طبقه بندی کرده ام، اما هنوز توفیق و فرصت نشکر این یادداشت ها را بیسما نکنم. من در آن جا به این نکته پی بردم که مولانا به قدری خوب بحث کرده که این سلوک نامه، چیزی کم نخواهد داشت.



نامه ها

آنها نمی دانند شما چقدر باهوش هستید

نویسنده: Rachel Tomlinson | مترجم: positivelooknet |



شعر برگزیده با ترانه نویسنده در بسیاری از ورزش ها بازی با شکر است کنید در مورد آیدنه شگفت انگیز عمل کنید. آنها نمی دانند که شما گاهی بعد از مدرسه از برادر یا خواهر کوچکترتان مراقبتی کنید. آنها نمی دانند که شما به چه جاهایی سفر کرده اید، آنها نمی دانند که شما به چه زیبایی می توایید داستانی را تعریف کنید و نمی دانند که شما چقدر از بودن در کنار اعضای خانواده و دوستان فوق العاده لذت می برد. آنها نمی دانند که شما چقدر قابل اعتماد، مهربان، با محبت و متفکر هستید و هر روز تمام تلاشتان را می کنید تا بهترین باشید. امتیازهای شما که شما از زبون هوش شما کرید، تنها بعضی چیزها را توضیح می دهد، اما همه چیز را توضیح نمی دهد. آنها نمی دانند شما چقدر باهوش هستید. بنابراین از نتایجی که کسب کرده اید، خوشحال باشید و لذت ببرید و به آنها مغرور باشید. اما به خاطر داشته باشید که راه های زیادی برای باهوش بودن وجود دارد. راضل تاملینسون